

باور



روزی دانشمندی آزمایش جالبی انجام داد. او یک آکواریوم ساخت و با قرار دادن دیواری شیشه‌ای در وسط آکواریوم، آن را دو بخش تقسیم کرد. در یک بخش، ماهی بزرگی قرار داد و در بخش دیگر، ماهی کوچکی که غذای مورد علاقه ماهی بزرگ‌تر بود.

ماهی کوچک تنها غذای ماهی بزرگ بود و دانشمند به او غذای دیگری نمی‌داد.

او برای شکار ماهی کوچک، بارها و بارها به سویش حمله برد، ولی هر بار با دیوار شیشه‌ای برخورد می‌کرد.

پس از مدتی، ماهی بزرگ از حمله و یورش به ماهی کوچک دست برداشت. او باور کرده بود که رفتن به آن سوی آکواریوم و شکار ماهی کوچک امری محال و غیرممکن است!

پس از آن، دانشمند شیشه وسط آکواریوم را برداشت و راه ماهی بزرگ را باز گذاشت. ولی دیگر هیچ‌گاه ماهی بزرگ به ماهی کوچک حمله نکرد و به آن سوی آکواریوم نرفت.

اگر چه دیوار شیشه‌ای دیگر وجود نداشت، اما ماهی بزرگ در ذهنش دیواری ساخته بود که از دیوار واقعی سخت‌تر و بلندتر می‌نمود. آن دیوار، دیوار بلند باور او بود؛ باوری از ناتوانی خویش!

خود دانش آموزان فهرست خواسته‌ها را تهیه و تنظیم کنیم. در این صورت، الزامی بودن تعهدات جنبه ارزشی و اخلاقی پیدا می‌کند نه دستوری و اجباری.

● تجربه دوم

ما معلمان به‌خوبی می‌دانیم که دانش آموزان در دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه بسیار علاقه دارند وقایع روزمره را برای دوستان و همکلاسی‌هایشان تعریف کنند. به‌نظر من بهتر است به جای دادن وقت استراحت به آن‌ها، در پایان درس، وقت حرف‌زدن با دوستانشان را به آن‌ها بدهیم. در واقع، عنوان زمان استراحت را با عنوان زمان عوض کنیم. به این صورت، دانش آموزان احساس می‌کنند که معلم با آن‌ها همدل است و نیازهایشان را به‌خوبی می‌شناسد.

● تجربه سوم

محروم کردن موقتی دانش آموزان از حضور در کلاس زمانی با موفقیت روبه‌رو می‌شود که محیط کلاس درس و فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌شود کاملاً مفید باشد، به‌طوری که دانش آموز بخواهد در آن شرایط بماند و درس بخواند. گاهی مسائلی در کلاس رخ می‌دهد که آرامش و شرایط آموزش و یاددهی را به هم می‌زند. در چنین مواقعی، برای کنترل کلاس و برقراری آرامش مجدد، لازم است برای مدت کوتاهی فرد خاطی را از حضور در کلاس محروم کنیم! براساس سال‌ها تجربه مطمئن هستیم که حتی بی‌انضباط‌ترین و ضعیف‌ترین دانش آموزان هم به محروم شدن موقتی از کلاس راضی نیستند. البته این نکته را فراموش نکنیم که هدف از محروم ساختن دانش آموز از کلاس، تنها یادآوری رفتار بد و برقراری آرامش در کلاس است.

از آن روز به بعد، دانش آموزم از نظر اخلاقی بسیار تغییر کرد. اغراق است اگر بگویم دیگر مشکلی در کلاس ایجاد نکرد، ولی هر بار که می‌خواست شیطنت کند، با اشاره‌ای به صحبت‌های آن روز، آرام می‌گرفت.

این تجربه به من نشان داد که در دانش آموزان مشکل‌ساز هم می‌توان ویژگی‌های مثبتی را یافت. نباید همیشه خصلت‌های منفی آن‌ها را همانند پتکی بر سرشان کوبید. گاهی رویکرد همیشه تنبیه، برای این نوع دانش آموزان، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه بیشتر اوقات مسئله‌ساز هم خواهد شد.

به‌طور کلی بهتر است به جنبه‌های مثبت دانش آموز بها دهیم. به جای اینکه به او بگوییم چه نباید بکند، تأکیدمان بر این باشد که چه باید بکند. ما معلمان باید الگوی شایسته‌ای برای دانش آموزانمان باشیم. وقتی دانش آموزی ادب را در کلاس رعایت نمی‌کند، باید با او مؤدبانه حرف بزنیم تا رفتار مؤدبانه را از ما یاد بگیرد. تجربه به من نشان داده است که نه تنها باید با دانش آموز مشکل‌ساز رفتار ویژه‌ای داشته باشیم، بلکه از دانش آموز خوبمان نیز نباید غافل شویم و خوب است به او نشان دهیم چه اندازه بر ایمان قابل اعتماد و ارزشمند است. به این صورت می‌توانیم رفتار خوب و پسندیده را در کلاس درس رواج دهیم.

● تجربه اول

در این سال‌ها، تجربه به من نشان داده که بهتر است در اولین جلسه آشنایی با دانش آموزان، آن‌ها را از خواسته‌هایمان باخبر کنیم. به این صورت، قادر به حفظ نظم و انضباط در کلاس‌مان خواهیم بود. لازم است این خواسته‌ها را به ترتیب روی برگه‌ای بنویسیم و روی تخته کلاس نصب کنیم. بهتر است با مشورت و توافق